

## فقر روستایی در کشورهای در حال توسعه

علل فقر روستایی پیچیده و چندبعدی است و از جمله، شامل فرهنگ، اقلیم، جنسیت، بازارها و سیاست‌های عمومی می‌باشد. همچنین فقر روستایی، هم به لحاظ مسائلی که پیش رو دارنده هم به لحاظ راه‌حل‌های ممکن برای این مسائل کاملاً متنوع‌اند. این مقاله به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه فقر روستایی گسترش می‌یابد، چه عواملی سبب دیربایی آن می‌شود و وجه‌ابزارهای ویژه‌ای را می‌توان برای از میان برداشتن یا کاهش آن به کار بست. ثبات کلی اقتصاد، بازارهای رقابتی و سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی را بسیاری به عنوان لوازم مهم دستیابی به رشد پایدار اقتصادی و کاهش فقر روستایی شناخته‌اند. از این گذشته، نظریه اینکه پیوندهای فقر روستایی با اقتصاد بطور قابل ملاحظه‌ای متفاوت می‌باشد، بنابراین، سیاست‌گذاری دولت باید حول محور مسائلی چون دسترسی آنها به زمین، اعتبارات، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، خدمات حمایتی و بهره‌مندی از غذا از طریق برنامه‌های بخوبی طراحی شده دولت و دیگر مکانیزم‌های انتقالی متمرکز باشد.

در حدود یک پنجم جمعیت جهان در فقر به سر می‌برند. این عده با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. فقر تنها بیانگر وضعیت موجود نیست، بلکه فرآیندی با ابعاد پیچیده‌ای بسیار نیز شامل می‌گردد. فقر می‌تواند پایا (مزمن) یا گذرا باشد، اما فقر گذرا هم اگر شدید باشد، دام‌گیر نسل‌های بعدی نیز خواهد شد. فقر اتمامی انواع راهبردهای کاهش و غلبه بر فقرشان می‌پذیرند.

برای شناخت فقر، بررسی زمینه اقتصادی و اجتماعی اعم از نهادهای دولتی، بازارها، اجتماعات و خانوارها ضروری می‌نماید. ناهمسانی‌های فقر به جنسیت، قومیت، سن، محل زندگی (روستایی در مقابل شهری) و منبع درآمد باز می‌گردد. در سطح خانوارها، کودکان و زنان اغلب بیشتر از مردان از فقر رنج می‌برند. در سطح اجتماع، گروه‌های اقلیت قومی و مذهبی بیشتر از گروه‌های اکثریت، و فقرای روستایی بیشتر از فقرای شهری، و از میان فقرای روستایی نیز، کارگران روز مزد بدون زمین بیشتر از خرده‌مالکان یا اجاره‌کاران در معرض فقر قرار دارند.

این تفاوت‌ها میان فقر بیشتر دال بر تعاملات بسیار پیچیده‌ای است که میان فرهنگها، بازارها و سیاست‌های دولت وجود دارد.

فقر روستایی تقریباً ۶۳ درصد از کل فقر جهانی را شامل می‌شود. این مقدار در برخی کشورها نظیر بنگلادش به ۹۰ درصد می‌رسد و در جنوب صحرای آفریقا نیز بین ۶۵ تا ۹۰ درصد در نوسان است (استثنای این قاعده، تمرکز فقر در چندین کشور آمریکای لاتین در نواحی شهری است). تقریباً در همه کشورهای، شرایطی که فقر روستایی را از لحاظ مصرف شخصی، دسترسی به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، آب آشامیدنی، مسکن، حمل و نقل و ارتباطات با آن مواجهند، بسیار نامساعدتر از شرایطی است که فقرای شهری پیش رو دارند. سطوح بالا و مستمر فقر روستایی، با پایبند بودن رشد کلی اقتصاد، در رشد سریع جمعیت و مهاجرت به نواحی شهری نقش داشته است. در واقع، بیشتر فقرای شهری همان فقرای روستایی اند که برای رهایی از فقر، روانه شهرها می‌شوند. سیاست‌های غلط دولت نظیر بی توجهی به بخش کشاورزی و نادیده انگاشتن زیرساخت‌های (اجتماعی و فیزیکی) روستاها، عوامل اصلی مؤثر در فقر روستایی و نیز در فقر شهری هستند.

پیوندهای میان فقر، رشد اقتصادی و توزیع درآمد به شکل نسبتاً گسترده‌ای در نوشته‌های اخیر در زمینه توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. رفع فقر مطلق در صورتی عملی است که دو شرط زیر برآورده شود:

- ۱) تحقق رشد اقتصادی یا افزایش درآمد متوسط به شکل استوار و پایدار، و
- ۲) بی طرف بودن رشد اقتصادی از حیث توزیع درآمد یا کاهش نابرابری درآمدی.

بطور کلی، تازمانی که رشد اقتصادی حاصل نشود، فقر نیز کاهش نخواهد یافت. در واقع، فقر پایا بخش عمده‌ای از جمعیت، کاهش چشم‌اندازهای رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. همچنین، توزیع اولیه درآمد (ثروت) می‌تواند بر چشم‌اندازهای رشد و کاهش فقر تو‌دهای تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذارد. شواهد محکمی حاکی از آن است که توزیع بسیار نابرابر درآمد منجر به رشد اقتصادی یا کاهش فقر نخواهد شد. تجربه نشان داده است که اگر کشورهای به ایجاد ساختارهای محرک و انجام

## فقر روستایی در کشورهای در حال توسعه؛ استراتژی برای سیاست‌گذاری عمومی

نویسنده: محمود حسن خان  
(استاد اقتصاد در دانشگاه سایمون فریزر)

مترجمان:  
ابوالقاسم شریفزاده و  
کرم حبیب‌پور

منبع: IMF Economic Issues,  
March 2001

سرمایه گذارهای مکمل برای تأمین بهداشت و آموزش بهتر که به درآمدهای بیشتر منجر خواهد شد اقدام نمایند، بدون تردید فقر نیز از طریق افزایش مصرف کنونی و کسب درآمدهای بیشتر در آینده، از این گونه اقدامات منتفع خواهند شد.

الگو و ثبات رشد اقتصادی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، رشد سنتی سرمایه‌برو مبتنی بر جایگزینی واردات و متمایل به شهرها-که از طریق سیاستهای دولت در زمینه قیمت گذاری، تجارت و مخارج عمومی تحقق می‌یابد معمولاً کمکی به کاهش فقر نخواهد کرد. از سوی دیگر، رشد کشاورزی در جایی که مالکیت ارضی تمرکز چندانی ندارد و از تکنولوژیهای کاربر استفاده می‌شود - تقریباً همیشه به کاهش فقر کمک کرده است. نهایتاً اینکه، آفت شدید رشد اقتصادی در نتیجه شوکها و تعویلات اقتصادی به افزایش تعداد فقرامی انجامد. حتی زمانی که رشد اقتصادی دوباره حاصل شود اگر میزان نابرابری نیز در اثر بحران وخیم تر شود، میزان شدت فقر بهبود نخواهد یافت.

### فقرای روستایی چه کسانی هستند؟

فقرای روستایی تا اندازه زیادی به فعالیتهای کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری و خدمات صنایع کوچک مرتبط با این بخش‌ها وابسته‌اند. برای فهم اینکه چگونه پدیده فقر این افراد و خانوارها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و برای طرح گزینه‌های سیاستگذاری به منظور کاهش فقر ابتدا لازم است بدانیم که فقرای روستایی چه کسانی هستند.

فقرای روستایی از گروه همگنی تشکیل شده‌اند. یکی از روشهای مهم برای طبقه‌بندی فقرای روستایی، بر اساس دسترس آنها به زمین کشاورزی است. در این روش دو گروه باز شناخته می‌شوند: (۱) کشاورزان، کسانی که به زمین دسترسی دارند و به عنوان زمینداران کوچک یا اجاره‌کاران از آنها یاد می‌شود (۲) غیر کشاورزان، که شامل افرادی زمین و کارگران غیر ماهر می‌شود. اما، همپوشی کارکردی زیادی بین این دو گروه مشاهده می‌شود که بیانگر اتخاذ استراتژیهای کاهش فقر از سوی تهیدستان در پاسخ به تغییرات حاصل در اقتصاد و جامعه است.

کشاورزان، که حجم وسیعی از فقرای روستایی را

در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند، مستقیماً به امر تولید و اداره محصولات و دام اشتغال دارند. از آنجا که این خانوارها با قطعه زمینهای کوچکی که مالک آنها می‌باشند یا در آنها کشت می‌کنند، قادر به امرار معاش نیستند، بنابراین، به صورت نیروی کار در سایر فعالیتهای زراعی و غیر زراعی در داخل و خارج از روستاهای شان در می‌آیند. تعدادی از اعضای این خانوارها به صورت ادواری یا برای طولانی مدت به شهرها یا شهرکها مهاجرت می‌کنند. در اکثر کشورها، هم زمینداران کوچک و هم اجاره‌کاران به خاطر فشارهای فزاینده، به کلی از بخش کشاورزی خارج شده‌اند. عامل اصلی این فرایند «دهقان‌زدایی»، نیروها و سیاستهای بازار است که بر زمینداری، اجاره‌ها، قیمت‌ها، نهاده‌ها و سرمایه‌گذاری دولت در زیرساختهای اجتماعی و فیزیکی اثر می‌گذارد.

غیر کشاورزان، شاید در میان فقرای روستایی، فقیرترین افراد را تشکیل دهند. تعداد این دسته از افراد به دلیل افزایش طبیعی جمعیت و نیز دهقان‌زدایی، به سرعت در حال افزایش است. این کارگران وابسته به تقاضای فصلی برای نیروی کار در بخش کشاورزی و خدمات صنایع کوچک و غیر رسمی روستایی هستند. کارگران روستایی بی‌زمین در برابر نوسانات در تقاضای نیروی کار، نرخهای دستمزد و قیمت‌های محصولات غذایی آسیب پذیرند. دسترسی به زیرساختها و خدمات عمومی برای این قشر حتی دشوارتر از زمینداران کوچک یا اجاره‌کاران است. وانگهی، برخلاف همسایگان شان در نواحی شهری، اغلب آنها محروم از خدمات عمومی بخش دولتی (برای مثال، سهمیه‌های غذایی) می‌باشند.

زنان روستایی، معمولاً بیشتر از مردان در معرض فقر قرار دارند. فقر شدید و پایگاه اجتماعی پایین آنها در بیشتر جوامع، عامل اصلی در پدید آمدن فقر مزمن می‌باشد. شواهد محکمی از بسیاری کشورها نشان می‌دهد که تأکید بر نیازها و توانمندسازی زنان، یکی از عناصر کلیدی توسعه انسانی است.

### فقرای روستایی مالک چه چیزهایی هستند؟

برای فهم نحوه شکل‌گیری فقر در نواحی

### ○ فقر روستایی تقریباً

۶۳ درصد از کل فقر جهانی را تشکیل می‌دهد. این نسبت در برخی کشورها نظیر بنگلادش به ۹۰ درصد می‌رسد و در جنوب صحرای آفریقا نیز بین ۶۵ تا ۹۰ درصد در نوسان است.

○ سیاست‌های  
نادرست دولت نظیر  
بی‌توجهی به بخش  
کشاورزی و نادیده  
انگاشتن زیرساخت‌های  
اجتماعی و فیزیکی  
روستاها عوامل اصلی مؤثر  
در فقر روستایی و نیز در  
فقر شهری است.

روستایی و اثرات آن بر گروه‌های مختلف، توجه به دارایی‌هایی که فقر امالک آنها می‌باشند یا چیزهایی که به آنها دسترس می‌دهد در نهایت بیوندهای آنها با اقتصاد ضروری می‌نماید. شرایط اقتصادی که فقرای روستایی با آن مواجه‌اند، متأثر از انواع دارایی‌ها و سود این دارایی‌ها است که در سطح خانوار، اجتماع و فرا اجتماع وجود دارد. دارایی‌های فیزیکی فقر شامل سرمایه طبیعی (حقوق مالکیت عمومی یا خصوصی زمین، مراتع، جنگل و آب)، ماشین‌ها و ابزارها، ساختارها، چارپایان اصلی، غذا و سرمایه مالی (جواهرات، بیمه، پس‌انداز و دسترسی به اعتبار) می‌باشد.

دارایی‌های انسانی آنها شامل نیروی کار اعم از کارگران باسنین، جنسیت‌ها، مهارت‌ها و درجه سلامتی گوناگون در خانوارها و جوامع می‌باشد. دارایی‌های زیرساختی آنها شامل حمل و نقل و ارتباطات عمومی و خصوصی، دسترسی به مدارس و مراکز بهداشت، انبار، آب آشامیدنی و اقدامات بهداشتی می‌گردد. دارایی‌های نهادی آنها، حقوق و آزادی‌های قانونی حمایت شده آنها و نیز میزان مشارکت آنها در تصمیم‌گیری در سطح خانوارها، اجتماعات و فرا اجتماع را شامل می‌گردد. دو دسته اول از دارایی‌ها بیشتر توسط شبکه‌های رسمی و غیررسمی موجود میان افراد و اجتماعات تنظیم می‌شوند. بیشتر مردم روستایی، بویژه زنان و آنهایی که در خانوارهای بی‌زمین زندگی می‌کنند، از دارایی‌های کافی برخوردار نیستند و سوده‌های نازل و متغیری دریافت می‌دارند.

تفاوت‌هایی که میان فقرای روستایی وجود دارد با وضوح بیشتری در بیوندهایشان با اقتصاد منعکس شده است. این بیوندها تعیین می‌کند که فقرای روستایی چگونه از دارایی‌هایشان استفاده و در تولید مشارکت می‌نمایند. همه فقرای روستایی به تولید کالا و خدمات تجاری و غیرتجاری اشتغال دارند. صنعتگران و کارگران غیرماهر بسیاری از خدمات غیرتجاری و برخی محصولات غیرتجاری (نظیر غذاهای اساسی) را فراهم می‌آورند که کشاورزان کوچک هم آنها را تولید می‌کنند. اما، تنها کشاورزان هستند که بواسطه مالکیت یا اجاره‌داری (سهم‌بری) به قطعات کوچک‌تری دسترسی دارند. همچنین، آنها تنها گروهی از فقرای روستایی می‌باشند که مالک یا اجاره‌دار سرمایه فیزیکی نظیر ابزارها و وسایل کار و

ماشین آلات هستند. صنعتگران و کشاورزان کوچک تنها سرمایه فیزیکی محدودی در اختیار دارند. آنها تنها دسترس محدودی به سرمایه مالی دارند و نیازهای خود را بیشتر از طریق مؤسسات و عوامل غیررسمی تأمین می‌نمایند مگر اجاره کاران، که از صاحبان اراضی خود به عنوان مجرای دریافت اعتبارات رسمی استفاده می‌کنند. سرمایه فیزیکی نیز اغلب گران است و از آن بیشتر برای حفظ مصرف در دوران سختی یا خرید نهاده‌ها و تجهیزات مورد نیاز برای کشت استفاده می‌شود. نیروی کار خانوار هم در داخل خانواده به صورت کار اعضای خانواده بدون پرداخت دستمزد دوهم برای دریافت دستمزد پرداخت می‌شود. به کارگران بی‌زمین و غیرماهر در فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی به کار گرفته می‌شود.

تمامی گروه‌های فقرای روستایی در برابر مخاطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی، سلامتی، بازارها، سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری دولت آسیب‌پذیرند. نوسانات در قیمت و مقدار دارایی‌های آنها و نیز میزان تولیداتشان می‌تواند به هم میزان فقر آنان بیفزاید و هم فرصت‌هایی را برای فرار از این وضعیت در اختیار آنها قرار دهد. دلیل اصلی این است که فقرای روستایی از ظرفیت بسیار پایینی برای جذب شوک‌های مالی ناگهانی برخوردارند. وانگهی، بحرانی‌های اقتصادی و بلاهای طبیعی نیز می‌تواند سبب افزایش سریع تعداد فقرات شود و روستایی‌ها را از آن‌ها برای فقر مشکل‌تر سازد.

### چگونه فقر روستایی پدید آمده است؟

ویژگی‌های متعددی از اقتصاد و اجتماع یک کشور و نیز برخی تأثیرات خارجی فقر روستایی را پدید می‌آورد و گسترش می‌دهد. این ویژگی‌ها از این قرار است:

- بی‌ثباتی سیاسی و درگیری‌های داخلی؛
- تبعیض نظام‌مند بر پایه‌های جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب یا کاست؛
- حقوق نامشخص مالکیت یا تحمیل ناعادلانه حقوق بر زمین کشاورزی و سایر منابع طبیعی؛
- تمرکز بالای مالکیت زمین و تریبیت نامتعادل اجاره‌داری؛
- سیاستمداران فاسد و دیوانسالاری‌های دولتی

## سیاست‌هایی برای کاهش فقر روستایی

برای طراحی سیاست‌هایی که شانس کمک مؤثر به فقرای روستایی را بالا ببرد، تمرکز سیاست‌گذاری بر چهار گروه عمده ذیل ضروری می‌نماید:

● زمینداران کوچک: که اراضی خویش را کشت می‌نمایند:

● اجاره کاران بی‌زمین: که اراضی دیگران را کشت می‌نمایند:

● کارگران بی‌زمین: که به اشتغال فصلی یا بلندمدت در بخش‌های زراعی یا غیرزراعی متکی هستند؛ و

● زنان: که شامل جزئی از هر سه گروه قبلی می‌باشند.

تمام این گروه‌ها از مدیریت مطلوب کلان اقتصادی- که به کنترل تورم و حفظ قیمت‌های فاقد سو بسید کمک می‌کند سود خواهند برد. چرا که چنین مدیریتی رشد اقتصادی پایدار را از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی و بازارهای رقابتی تسهیل می‌کند. نیازی به گفتن نیست که قوانین ناعادلانه یا اجرای ضعیف قوانین موجود، کنار گذاشتن فقر از تصمیم‌گیری و فساد شایع در بخش دولتی به همان اندازه که برای رشد کلی اقتصاد کشور زیان‌بار است به بهبود زندگی فقر نیز لطمه می‌زند.

دستیابی به رشد کشاورزی از طریق به کارگیری فن‌آوری‌های جدید یکی از راه‌های بسیار مهم برای کاهش فقر روستایی است. اما اثر چنین تلاش‌هایی بر فقرای روستایی، به شرایط اولیه، ساختار نهادهای ذیربط و مشوق‌ها بستگی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که کود کشاورزی از طریق ایجاد کمبود مواد غذایی و افزایش قیمت‌ها که توانایی فقرای روستایی را برای خرید غذا و یافتن کار کاهش داده به زیان این قشر تمام شده است. برعکس، تجارب حاصل از انقلاب سبز نشان داده که پیشرفت‌های سریع کشاورزی موجب کاهش فاحش فقر روستایی در قسمت‌های جنوبی آسیا شده است. محققان دریافته‌اند که بازده بالای محصولات، هم تعداد فقر او هم شدت فقر روستایی را کاهش می‌دهد. اما چنین اثراتی زمانی چشمگیر است که شرایط معینی بر آورده شود:

● بازارهای سرمایه‌وزمین به وسیله تمرکز شدید مالکیت منابع طبیعی (زمین کشاورزی)، شامل

● سیاست‌های اقتصادی تبعیض آمیز به زیان فقرای روستایی که موجب کنار گذاشتن آنها از فرایند توسعه و تشدید اثرات سایر فرایندهای ایجاد کننده فقر می‌شود؛

● رشد سریع و فزاینده خانوارهای بانرخهای وابستگی و بار تکفل اقتصادی بالا؛

● نقصانهای بازار ناشی از تمرکز شدید مالکیت زمین و سایر دارایی‌ها و سیاست‌های دولتی مخدوش کننده؛ و

● شوک‌های بیرونی ناشی از تغییر در وضعیت طبیعت (برای مثال، تغییرات اقلیمی) و شرایط اقتصاد بین‌الملل.

سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی جانبدارانه در سطح کشور نیز از طریق محور نگاه داشتن فقرای روستایی از منافع توسعه و تشدید اثرات سایر فرایندهای ایجاد کننده فقر، به فقر روستایی می‌انجامد. سیاست‌های جانبدارانه‌ای که عموماً به زیان فقرای روستایی تمام می‌شود از این قرار است:

● جانبداری از شهرها در سرمایه‌گذاری‌های عمومی برای زیرساخت‌ها و گسترش خدمات عمومی؛

● مالیات بندی ضمنی بر محصولات کشاورزی از طریق قیمت‌های به اصطلاح حمایتی و نرخ ارز اغراق آمیز؛

● مالیات بندی مستقیم بر صادرات کشاورزی و پرداخت یارانه به محصولات وارداتی؛

● پرداخت یارانه به تکنولوژی‌های سرمایه‌بر؛

● جانبداری از محصولات صادراتی به زیان محصولات غذایی؛ و

● جانبداری از زمین‌داران بزرگ و تولیدکنندگان تجاری در زمینه‌های حقوق مالکیت زمین و اجاره‌داری، خدمات ترویجی تدارک دیده شده توسط دولت و دسترسی به اعتبارات (یارانه‌دار).

چنین سیاست‌هایی می‌توانند اثرات کوتاه مدت و هم اثرات بلندمدتی بر فقر روستایی داشته باشند. این اثرات بویژه در چارچوب برنامه‌های تعدیل ساختاری که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور تجدید ثبات کلان اقتصادی و گسترش ظرفیت اقتصاد خود با هدف افزایش تولید، اشتغال و درآمد‌ها به اجرا گذاشته‌اند، قابل ملاحظه است.

○ زنان روستایی معمولاً بیش از مردان در معرض فقر قرار دارند. فقر شدید و پایگاه اجتماعی پایین آنها در بیشتر جوامع عامل اصلی در پدید آمدن فقر مزمن است.

هر کشور عمده تا از طریق اعتبارات دولتی تأمین می شود سطح مخارج، اثر بخشی هزینه ها، کیفیت خدمات و دسترس فقرای روستایی به زیرساختها و خدمات دولتی، اثرات بسیار مهمی بر بهره‌وری و سرمایه‌انسانی در مناطق روستایی می‌گذارد.

بر داختهای انتقالی، که هم دولتی و هم خصوصی می‌باشند، نوعی بیمه در مقابل شوکهای اقتصادی پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده فراهم می‌سازد. بیشتر فقرای روستایی به پرداخت‌های انتقالی خصوصی بین خانوارها، خانواده‌های گسترده و سایر گروه‌های خویشاوندی وابسته‌اند. پرداخت‌های انتقالی دولتی می‌تواند به شکل توزیع مجدد دارایی‌هایی مانند زمین، اشتغال در پروژه‌های عام‌المنفعه، و یا ارائه‌های هدفمند برای نهاده‌ها و برخی محصولات مصرفی باشد. اینگونه پرداخت‌ها که مکمل یا جایگزین پرداخت‌های خصوصی هستند و وابسته به ابزار سیاسی و نحوه استفاده از آن می‌باشند. اما چنین کانال‌هایی بازارها، زیرساختها و پرداخت‌های انتقالی در مورد همه فقرای روستایی یکسان عمل نمی‌کنند. چرا که هر گروه دارای پیوندهای کاملاً متفاوتی با اقتصاد است.

## مؤلفه‌های کلیدی سیاست‌گذاری برای کاهش فقر روستایی

پس هنگام تدوین سیاست کاهش فقر روستایی عناصر کلیدی کدامند؟ بازارهای رقابتی، ثبات کلان اقتصادی و سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساختهای اجتماعی و فیزیکی را بسیاری به عنوان لوازم مهم رشد اقتصادی پایدار و کاهش فقر شناخته‌اند. از این گذشته، شرط نخست هرگونه راهبرد کاهش فقر روستایی، تدارک محیط توانمندساز و منابع برای آنهاست که در بخش روستایی به تولید کشاورزی و نظام توزیع اشتغال دارند.

سایر مؤلفه‌های سیاست‌گذاری برای راهبردهای ملی شامل دولت، بخش خصوصی (انتفاعی) و جامعه مدنی به منظور کاهش فقر روستایی می‌تواند شامل اینها باشد:

● جمع‌آوری اطلاعات: فقرای روستایی با مسائل بسیار متفاوتی روبه‌رو هستند و از یک گروه

قرار دادهای اجاره‌داری ناعادلانه و محدودیت بازارهای سرمایه (بازدستی) محدود به اعتبارات مالی) مخلوش نشود؛

● سیاستهای دولت در زمینه قیمت‌گذاری، مالیات‌ها و نرخ ارز باعث تعدید کشاورزی و تشویق یا مساعدت به جابه‌جایی نیروی کار نگردد؛

● سرمایه‌گذاری دولتی در آموزش برای مراقبت‌های بهداشتی بالا باشد و بطور مؤثر به کار گرفته شود. سودآموزی و بهداشت مطلوب کشاورز تأثیر عمیقی بر بهره‌وری زراعی دارد؛

● حمایت بخش دولتی از تحقیقات کشاورزی چشمگیر باشد و بهیچوجه حاصل‌بطور اثر بخش در دسترس کشاورزان کوچک (خرده‌پا) قرار گیرد؛

● سرمایه‌فیزیکی، مانند سیستمهای آبیاری و دسترس به جاده‌ها به اندازه کافی تأمین شود؛

● خدمات عمومی و مساعدت‌های اجتماعی در قالب برنامه‌های امور عام‌المنفعه، اعتبارات خرد، یارانه‌های غذایی و غیره در اختیار مردم خیلی فقیر خصوصاً آوارگان (فصلی) بی‌زمین و زنان روستایی قرار گیرد؛ و

● فقرای روستایی به منظور تضمین به کارگیری مؤثر منابع و توزیع عادلانه منافع در شناسایی، طراحی و اجرای برنامه‌ها مستقیماً دخالت داده شوند.

نظر به اینکه فقرای روستایی گروهی متنوع هستند، بنابراین، نیازمند درک چگونگی تأثیرگذاری تغییرات و سیاستهای کلان اقتصادی بر آنها هستیم.

سرمایه عمده تأثیرگذاری سیاستها بر فقرای روستایی عبارت است از: بازارها، زیرساختها (از جمله خدمات عمومی) و پرداخت‌های انتقالی.

بازارهایی که فقرای روستایی در آن شرکت می‌کنند، شامل بازارهای محصولات، نهاده‌ها (اعم از نیروی کار یا غیر نیروی کار) و بازار مالی (از منابع رسمی و غیر رسمی) است. چندین مشخصه مهم این بازارها می‌تواند بر شرایط مناطق روستایی تأثیر گذارد.

زیرساختهایی هم که مستقیماً بر بهره‌وری بخش روستایی و کیفیت زندگی فقرای روستایی تأثیر می‌گذارد عبارتند از: زیرساختهای اقتصادی (حمل و نقل، ارتباطات، خدمات ترویج، آبیاری) و اجتماعی (آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، آب و فاضلاب). با توجه به اینکه بیشتر عناصر زیرساخت

○ دستیابی به رشد کشاورزی از طریق به کارگیری فن‌آوری‌های جدید یکی از راه‌های بسیار مهم برای کاهش فقر روستایی است. اما تأثیر چنین تلاش‌هایی بر فقرای روستایی به شرایط اولیه، ساختار نهادهای ذیربط و مشوق‌ها بستگی دارد.

بهترین شیوه ایجاد و حفظ خواهند شد. یعنی مقرون به صرفه و با کیفیت قابل قبول خواهند بود. که گروه‌های هدف در طراحی، اجرا و نظارت بر آنها و همین‌طور در تضمین مسئولیت‌پذیری ادارات دولتی زیربط شرکت داده‌شوند.

● اعتبارات هدفمند: منابع اعتباری رسمی و غیررسمی اغلب برای فقرای روستایی غیر قابل دسترس یا بیش از حد پرهزینه است. برنامه‌های اعتبارات روستایی هدفمند بخش دولتی، خصوصاً اگر به آنها یارانه نیز تعلق گیرد، برای غیر فقرا منفعت بیشتری در بر دارند تا برای فقرا. فقرا به اعتباراتی نیاز دارند که بر اساس شرایط قابل قبول و در هنگام نیاز در دسترس‌شان باشد. تجارب اخیر حاصل از برنامه‌های اعتباری مبتنی بر اجتماع محلی، که در آنها فقرا در اخذ تصمیمات و امدهی مشارکت فعالانه‌ای داشته‌اند، نشان می‌دهد که این برنامه‌ها از حیث دستیابی گروه‌های هدف به اعتبار با هزینه قابل قبول موفق بوده‌اند.

● امور عام‌المنفعه: بخش عمده و فزاینده‌ای از فقرا به کار روزمزدی وابسته‌اند چرا که جز نیروی کار غیر ماهر یاداری‌های خیلی اندک نظیر زمین‌های محدود و تعداد کمی حیوانات خانگی، چیز دیگری ندارند. بنابراین، برنامه‌های عام‌المنفعه انعطاف‌پذیر می‌تواند بطور وسیعی به شبهه‌بی زمین‌ها و بی‌زمین‌ها در زمینه هموار سازی مصرف‌کنندگان و گریز از فقر کوتاه‌مدت کمک کند. اگر این کار به صورتی پایدار صورت گیرد، همچنین می‌تواند قدرت چانه‌زنی فقرا در مناطق روستایی تقویت نماید.

● برنامه‌های غذایی نامتمرکز: برخی از فقرای روستایی، هم‌اقد و هم‌خانوارها، در بیشتر مواقع از تغذیه ناکافی رنج می‌برند. آنها، بسته به اوضاع و احوال خویش، به انواع مختلفی از حمایت‌ها نیاز دارند. چنین حمایت‌هایی می‌تواند شامل برنامه‌های غذایی مکمل، کمک غذایی تدارک دیده‌شده از طریق مدارس، کلینیک‌های مراقبت بهداشتی و مراکز اجتماعی، و پرداخت‌های نقدی باشد. به نظر می‌رسد در این زمینه برنامه‌های هدفمند و غیر متمرکز بیشترین کارایی را دارند.

همگن تشکیل نشده‌اند. بنابراین، باید برای جمع‌آوری اطلاعات درباره مشکلات فراروی آنها تلاشی پایدار صورت پذیرد تا بتوان چنان‌که باید با آنها برخورد کرد.

● تمرکز بر تدارک‌داری‌ها: دولت باید ببیند کدام دارایی‌ها بیشتر مورد نیاز فقر است تا به آنان کمک کنده‌میزان بیشتری از آنها دست‌یابند. این داری‌ها می‌تواند زمین کشاورزی یا سایر منابع، دسترسی به اعتبار یا بهبود آموزش و بهداشت باشد. وابستگی به نیروی کار غیر ماهر، بدون تمرکز بر تدارک‌سایر داری‌ها، یکی از سرچشمه‌های بسیار مهم فقر مزمن است.

● حق دسترسی به آب و زمین کافی: برنامه اصلاحات ارضی وسیع - شامل واگذاری اراضی، توزیع مجدد اراضی و قرار داده‌های اجاره‌داری عادلانه و قابل اجرا - از ضروریات کاهش فقر روستایی است. چنین برنامه‌ای می‌تواند زمین‌داران و اجاره‌داران کوچک (حشاش‌سینه‌ای) را به تولیدکنندگانی کارآمدتر مبدل سازد و سطح زندگی آنها را بالا برد.

● سواد آموزی و مراقبت‌های بهداشتی پایه: فقرای روستایی نیازمند ایجاد و تقویت سرمایه‌انسانی خویش هستند تا بتوانند از فقر رهایی یابند و در جامعه و اقتصاد بیشتر سهیم شوند. مراقبت بهداشتی پایه (ایمن‌سازی، تدارک آب تمیز و برنامه‌ریزی خانواده) و آموزش (سواد آموزی، رفتن به مدرسه و کار آموزی فنی) - خصوصاً برای زنان و کودکان - از ضروریات است و می‌بایست با هزینه قابل قبول در دسترس آنها قرار گیرد.

● مشارکت محلی: زیرساخت‌ها و خدمات وابسته به آموزش و بهداشت، در صورتی بهترین نتیجه را می‌بخشند که گروه‌های هدف در تصمیم‌گیری‌های مراحل طراحی، اجرا، نظارت و پاسخگویی، مشارکت داشته باشند.

● تدارک زیرساخت‌ها: اگر کمیت و کیفیت برخی از بخش‌های کلیدی زیرساخت‌های فیزیکی (آبیاری، حمل و نقل و ارتباطات) و خدمات حمایتی (تحقیق و ترویج) نارسا باشد فقرای روستایی نمی‌توانند بهترین استفاده را از منابع خویش از جمله سرمایه‌انسانی خود به عمل آورند. خدمات و زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی، در صورتی به

○ بازارهای رقابتی، ثبات کلان اقتصادی و سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی را بسیاری به عنوان لوازم مهم رشد اقتصادی پایدار و کاهش فقر شناخته‌اند.